

گفت‌وگو با دکتر «لادن شفيعی» عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی استان کرمان

بهره‌وری پایین عوامل تولید؛ ویژگی اقتصاد روستایی استان

اطلاعات متمرکز کشاورزی در کشور در دسترس نیست. البته اطلاعات متمرکز کشاورزی، زمانی برای تولیدکنندگان قابل استفاده خواهد بود که از پشتوانه اجرایی و ضمانت لازم برای بازار محصولات تولیدی برخوردار باشد. در شرایط موجود، کشاورزان پیام‌های بازار که بیشتر متأثر از نقش دلان و واسطه‌هاست را مبنای کار قرار می‌دهند؛ واسطه‌ها که متولی غالب در خرید محصولات تولیدی کشاورزان هستند. الگوی کشت متناسب با نیاز بازار تعیین‌کننده است، اما امکان تغییر الگوی کشت در اراضی خرد وجود ندارد؛ بویژه که کشاورزان از دانش فنی و تجربه لازم برای کشت محصولات جدید برخوردار نیستند و زیرساخت بازار خرید این محصولات در کوتاه‌مدت فراهم نیست.

در ادامه مشروح گفت‌وگو با دکتر لادن شفيعی عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی استان کرمان آمده است.

◆ چرا تولید برخی محصولات کشاورزی؛ مثلاً تولیدات آب‌بر که از دیدگاه زیست‌محیطی و اقتصادی پیامدهای ناگواری دارد، تعطیل نمی‌شود؟ آیا چنین تولیداتی از نظر فردی دارای توجه اقتصادی است؟

امکان برنامه‌ریزی برای تولید و امکان تغییر الگوی کشت در اراضی خرد وجود ندارد؛ چرا که کشاورزان هم از دانش فنی و تجربه لازم برای کشت محصولات جدید برخوردار نیستند و هم زیرساخت بازار برای خرید محصولات جدید در کوتاه‌مدت فراهم نیست. اگرچه تولید این محصولات از نظر کارشناسان، اقتصادی نیست ولی این شیوه تولید محصول در نتیجه نوع نگرش و تجربه چندین ساله تولیدکنندگان برای تولیدی کم ریسک و معیشتی است و مطمئناً از دیدگاه خودشان، محصولات تولیدی‌شان اقتصادی و متناسب با نظر خریداران است که هر سال محصولشان را می‌خرند، می‌باشد؛ حال اگرچه با معیارهای کشاورزی، صنعتی و تجاری همخوانی ندارد، ولی از دیدگاه خودشان امری درست است.

◆ بخش بزرگی از زمین‌های کشاورزی ما در واقع زیرکشت محصولات کم‌قیمت است، آیا کشاورزی معیشتی مقرون به صرفه است؟ آیا کاشت محصولات کم‌قیمت را می‌توان مترادف با اتلاف منابع آب‌و خاک دانست؟ نظرات کارشناسی شما در انتخاب الگوی مناسب چیست؟

آنچه ارزش محصولات را مشخص می‌کند میزان عرضه و تقاضا است و اگر نه در سال گذشته هیچ محصولی به اندازه هویج اقتصادی نبود؛ لذا الگوی کشت متناسب با نیاز بازار است که تعیین‌کننده ارزش اقتصادی محصولات است نه نوع محصول تولیدی.



◆ در وجه غالب، کشاورزان ما الگوی کشت را با پیام‌هایی که از بازارها می‌گیرند انتخاب می‌کنند و نه مبتنی بر اطلاعات متمرکز کشاورزی که شاید در دسترس نیست، در این مورد کجای کار هستیم؟

اطلاعات متمرکز کشاورزی اولاً در کشور ما در دسترس نیست، ثانیاً اگر در دسترس هم باشد به دلیل تأثیر تنش‌های سیاسی بر بازارهای صادراتی از یکسو و حوادث غیرمترقبه طبیعی نظیر

متأسفانه در

کشور ما به جز

چند محصول

اساسی در سایر

محصولات، نه

دولت برنامه برای

تولید دارد و نه

هیچ پشتوانه‌ای

برای تضمین

خرید تولیدات

وجود دارد. در

نتیجه کشاورزان

اطلاعات و

پیام‌های بازار

را مبنای کار قرار

می‌دهند و البته

نقش دلان

و واسطه‌گران

در این میان

بی تأثیر نیست؛

چرا که متولی

خرید محصولات

کشاورزی اکثر این

گروه هستند.

بلندمدت برای توسعه محصولات صادراتی،
* استحصال آب توسط کشاورز و عدم وجود و اختیار قانونی و حقوقی برای اختصاص آب در راستای توسعه الگوی کشت مناسب،
* وجود سیستم گسترده دلالی و واسطه‌گری در بخش کشاورزی، به گونه‌ای که زیان‌دیده این جریان، تولیدکننده و مصرف‌کننده است.

♦♦ مدیریت صحیح و کارآمد کشاورزی یعنی چه؟ به نظر شما مدیریت کشاورزی کشور ما و بویژه در استان کرمان چقدر با این تعریف انطباق دارد؟

مدیریت صحیح و کارآمد کشاورزی لازم است حقایق را عملاً در مزرعه مورد بررسی قرار دهد. مدیریت صحیح کشاورزی در زمینه‌هایی مانند بهتر اداره کردن مزرعه، برتری یک یا چند نوع محصول نسبت به سایر محصولات یا سود تطبیقی آگاهی و تسلط کامل دارد. هدف اصلی در یک سیستم کارآمد کشاورزی، افزایش منافع در سطح ثابت و منطقی به کمک افزایش بهره‌وری سرمایه و دیگر منابع و کاردانی و استعداد مدیریت است. مدیر باید درباره محصولات، کود، ماشین‌آلات، ساختمان‌ها، دام‌ها و منابع دیگر اطلاعات کافی داشته باشد. مدیریتی کارایی دارد که بتواند ضمن استفاده بهینه از کلیه نهاده‌ها، بیشترین میزان محصول را به دست دهد. متأسفانه ما در کلیه موارد مصرف نهاده‌ها دچار مشکل هستیم و با مصرف بی‌رویه نهاده‌های تولید مواج‌هایم و این مسئله هنوز حل نشده باقیست.

♦♦ اصولاً کشاورزی در استان کرمان با توجه به چگونگی بهره‌وری منابع، چقدر اقتصادی است و برای عبور از کشاورزی معیشتی به کشاورزی تجاری، چقدر آمادگی داریم؟

رشد تولید از طریق ارتقاء بهره‌وری از اهم اهداف کشور ماست. متأسفانه به‌رغم استعدادهای فراوان بخش کشاورزی در کشور، این بخش با چالش‌های اساسی و تنگنایهای پرشماری روبه‌رو است که از جمله می‌توان به عملکرد ضعیف در تولید برخی از محصولات کشاورزی و پایین بودن بهره‌وری زمین، آب و انرژی در بخش کشاورزی کشور اشاره نمود. از ویژگی‌های مهم اقتصادی در نواحی روستایی استان، پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید است. با وجود تمرکز بر نیروی کار افراد مازاد، بافت سنتی تولید کشاورزی و کپولت سن و بیسواد، عدم تخصص و مهارت، امیدواری بر بهبود وضع، ضعیف است؛ مگر اینکه تغییر و تحولی در این زمینه ایجاد شود. علاوه بر آن رشد ناچیز بهره‌وری بخش کشاورزی به علت عدم استفاده از وسایل نوین و مکانیزه مناسب، تحولی را طلب می‌کند. ♦♦

سرمازدگی، آفات و بیماری‌ها و... بر میزان تولیدات از سوی دیگر، عملاً این اطلاعات قابل استناد نیست. لازم به ذکر است، اطلاعات متمرکز کشاورزی زمانی برای تولیدکنندگان قابل استناد خواهد بود که از پشتوانه اجرایی و ضمانت لازم برای بازار محصولات تولیدی برخوردار باشد. متأسفانه در کشور ما به جز چند محصول اساسی در سایر محصولات، نه دولت برنامه برای تولید دارد و نه هیچ پشتوانه‌ای برای تضمین خرید تولیدات وجود دارد. در نتیجه کشاورزان اطلاعات و پیام‌های بازار را مبنای کار قرار می‌دهند و البته نقش دلالت و واسطه‌گران در این میان بی‌تأثیر نیست؛ چرا که متولی خرید محصولات کشاورزی اکثراً این گروه هستند.

♦♦ چرا رفع ضعف‌ها و تهدیدهای بخش کشاورزی بویژه در اراضی خرد، تولید در مناطق خالی از صرفه، فروش نسبی محصولات و الگوی نامناسب کشت به شکلی اثربخش، سیاست‌گذاری و اجرا نمی‌شود. بالاخره حکومت، مالکان و کشاورزان باید این کار را انجام دهند، مگر مناطق دیگر دنیا در جهت رفع ضعف‌ها چه اقداماتی انجام داده‌اند که ما توان انجام آن را نداریم؟

به چند دلیل:
* عدم سرمایه‌گذاری مناسب در بخش کشاورزی طی چهار دهه گذشته به طوری که در کشور ما سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی طی این مدت کمتر از ۳ درصد بوده، ولی در کشورهای پیشرفته، سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بالای ۳۰ درصد بوده است،
* اجبار دولت به ایجاد اشتغال خارج از توان بخش کشاورزی، به طوری که اشتغال در این بخش به بالای ۳۰ درصد رسیده است. در صورتی که میزان اشتغال در بخش کشاورزی در کشورهای پیشرفته، کمتر از پنج درصد می‌باشد،
* اجرای قانون ارث در اراضی کشاورزی و در نتیجه تشدید خرده مالکی و عدم وجود اراده‌ای برای اصلاح این قانون در بخش کشاورزی،
* عدم وجود اعتبار و سرمایه برای اجرای الگوی کشت و همچنین نبود قوانین و مقررات لازم برای ضمانت و اجبار به رعایت الگوی کشت،
* عدم وجود مشوق‌های لازم برای حمایت از الگوی کشت پیشنهادی وزارت جهاد کشاورزی توسط تولیدکنندگان،
* تملک آب و زمین توسط کشاورز و عدم امکان دخالت دولت در تعیین الگوی کشت،
* عدم وجود تشکل‌های فراگیر صنفی در بخش کشاورزی و در نتیجه عدم امکان برنامه‌ریزی برای اجرای کشاورزی قراردادی،
* عدم ثبات سیاسی کشور و عدم امکان برنامه‌ریزی

با وجود تمرکز بر
نیروی کار افراد
مازاد، بافت سنتی
تولید کشاورزی
و کپولت سن
و بیسواد،
عدم تخصص و
مهارت، امیدواری
بر بهبود وضع،
ضعیف است؛
مگر اینکه تغییر
و تحولی در این
زمینه ایجاد شود.
علاوه بر آن رشد
ناچیز بهره‌وری
بخش کشاورزی
به علت عدم
استفاده از وسایل
نوین و مکانیزه
مناسب، تحولی را
طلب می‌کند.